

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## نگاهی به حدیث منزلت

استاد راهنما: حجت الاسلام محمد احمدی

نویسنده: محمد کاردان

آذر ۱۴۰۲

موسسه بیان معرفت

## چکیده

{یکی از اعتقادات اصیل و مستدل ما این است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله بعد از خود فرد یا افرادی را به عنوان جانشینان خود معرفی نموده است.

در قرآن کریم و نیز در سنت نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله برای اثبات این مدعا ادله متعدد و بی شماری وجود دارد. یکی از ادله مهم در مورد اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السّلام و یا به عبارت درست تر اثبات حقانیت رهبری امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیهم السّلام، حدیث صحیح و متواتر «منزلت» است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آله علی بن ابی طالب علیه السّلام را نسبت به خود همانند نسبت هارون علیه السّلام و حضرت موسی علیه السّلام تشبیه نموده است.

## پیشگفتار.

از معروفترین احادیثی که در منابع شیعه و اهل تسنن نقل شده است حدیث منزلت می باشد در این حدیث آمده که پیامبر اسلام به حضرت علی فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی.

آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون نسبت به موسی باشی

بنابر نقل های دیگر آن حضرت فرمود:

انت منی بمنزله هارون من موسی

تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی

ویژگی ممتاز این حدیث نسبت به احادیث دیگر این است که بخاری و مسلم آن را نقل کرده اند

## راویان حدیث منزلت

چند نمونه از مشهورترین راویان این حدیث را ذکر می کنیم

امیرالمومنین علیه السلام عبدالله بن عباس عبدالله بن مسعود عمر بن خطاب ابوسعید خدری ابوهریره

تواتر حدیث منزلت

مجموع راویان مرد و زن این حدیث به ۴۰ نفر می رسند

ابن عبدالبر در کتاب الاستیعاب در مورد حدیث منزلت می‌نویسد:

این حدیث از معتبرترین و صحیح‌ترین روایات است

همچنین حافظ جلال الدین سیوطی نیز این حدیث را در کتاب قطب الازهار المتناثره فی الاخبار المتواتره که در بیان احادیث متواتر نقل می‌کند.

راویان حدیث منزلت در قرون متفاوت

محمد بن اسحاق نویسنده کتاب السیره ابو داوود سلیمان بن داوود طیالسی در مسند احمد احمد بن حنبل شیبانی ن گارنده المسند ابن ماجه قزوینی در صحیح

متن حدیث منزلت و تصحیح آن

این حدیث در صحیح بخاری به دو صورت نقل شده است که ما به یک صورت آن می‌پردازیم محمد بن بشار از غ ندر از شعبه از سعد نقل می‌کند که می‌گوید از ابراهیم بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص شنیدم که می‌گفت پیامبر خدا صلوات الله علیه به حضرت علی فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی

آیا راضی نمی‌شوی که برای من همانند هارون برای موسی باشی

به روایت مسلم

مسلم بن حجاج قشیری این حدیث را با سندهای متعددی روایت می‌کند

یکی از آنها روایتی است که با سند خود از سعید بن مسیب از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند که پیامبر به حضرت علی فرمود انت منی به منزلت هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

تو برای من همانند هارون برای موسی هستی جز آنکه بعد از من پیامبری نخواهد بود

سعید می‌گوید دوست داشتم این حدیث را در رو از خود سعد بشنوم به خاطر همین با او ملاقات کردم و از او پرسیدم او گفت بله من این حدیث را از پیامبر شنیده‌ام

اهل سنت معتقد است آنچه که در کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری آمده همه آنها احادیث قطعی و صدور است

همچنین شخصی به نام شاه ولی الله دهلوی در کتاب حجت الله بالغه خود که کتاب معتبر نزد اهل سنت می‌باشد می‌فرماید همه علما معتقد هستند که هر کس به کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم بی‌توجهی بکند نوعی بدعت گذار

با توجه به سخن آقای دهلوی اگر کسی به سند حدیث منزلت خدشه‌ای وارد کند از راه مسلمین پیروی نکرده است از سوی دیگر اگر به کتاب‌های دیگری نگاه بیندازیم از جمله کتاب رجال خواهیم دید که بخاری و مسلم از هر شیخ صی که روایت می‌کند راویان به آن اعتماد می‌کنند

حتی بر این باورند که هر کس از این دو نقل حدیث کند از پل عبور کرده است ما شیعیان برای ثابت کردن حَقمان به احادیث مورد اطمینانی می‌پردازیم اما اهل تسنن وقتی عاجز می‌شوند از آوردن جواب می‌گویند این در صحیحین نیامده است و اینطور از پاسخ دادن فرار می‌کنند

به عنوان مثال حدیث شریف را ملاحظه کنید پیامبر فرمود ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه بعد از من امتم به ۷۳ گروه تقسیم می‌شود

اما می‌بینیم در رد این حدیث ابن تیمیه می‌گوید این حدیث در صحیحین نیامده است با وجود اینکه بعضی از اشخاص از جمله احمد بن حنبل این حدیث را در کتاب خود آورده است

به طور کلی هر موقع اهل تسنن به نفع آنها باشد می‌گویند این حدیث در صحیحین آمده و حجت است و اما وقتی حرفی برای گفتن ندارند می‌گویند این حدیث در صحیحین نیامده است یا باطل می‌باشد

بنابراین بدیهی است که چنین روشی برای بررسی احادیث درست نیست و ما می‌بینیم که همین روش را در بحث حدیث منزلت هم به کار برده است و آن را تضعیف می‌دانند با اینکه در صحیحین نقل شده است سوال ما از اهل تسنن این می‌باشد که پس قطعی الصدور بودن احادیث صحیحین چی می‌شود؟

متون دیگری از حدیث منزلت

حال می‌خواهیم که حدیث منزلت را در کتب‌های دیگر غیر از صحیحین مورد بررسی قرار بدهیم ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری حدیث منزلت را از زبان چند نفر نقل می‌کند

سعید بن مسیب

آمده است که سعید بن مصیب به سعد بن ابی وقاص گفت می‌خواهم از تو در مورد حدیثی سوال کنم اما از پرسیدن آن واهمه دارم او گفت هر موقع من از چیزی آگاه هستم بدون ترس بپرس گفت زمانی که پیامبر امیرالمؤمنان را در مدینه به جای خود گذاشت به او چه فرمود

نویسنده طبقات می‌گوید سعد تمام حدیث را برای او نقل کرد

پس معلوم می‌شود که در نبود پیامبر قرار است اتفاق‌هایی در مدینه بیفتد که پیامبر ناچار می‌شود امیرالمؤمنان را در مدینه بگذارد اما اشخاصی اینطور تصور می‌کنند که دلیل شرکت نکردن امیرالمؤمنان در جنگ تبوک به خاطر این بود که پیامبر از امیرالمؤمنان خوشش نمی‌آمد اما پیامبر با حدیث منزلت جواب آنها را می‌دهد

به روایت نسائی

نسائی در خصائص اینطور نقل می‌کند که مردم گمان می‌کردند پیامبر از امیرالمؤمنان خسته شده است به همین خاطر با حضور او در جنگ مخالفت کرده است در روایت دیگری نقل شده که امیرالمؤمنان به پیامبر عرضه داشت که مردم قریش اینطور گمان می‌کنند که شما از من خسته شده‌ای و به همین علت مرا در مدینه گذاشتی پیامبر وقتی این حرف را شنید گریه کرد و فرمود ما منکم احدا الا ولد خاصه بین ابی طالب اما ترضی ان تکون منی به منزلت هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

هیچ کدام از شما نیست مگر آنکه کسی را برای خود اختصاص می‌دهد ای پسر ابوطالب آیا تو راضی نمی‌شوی که برای من همچون هارون نسبت به موسی باشی جز آنکه بعد از من پیامبری نیست امیرالمؤمنان در جواب فرمود رضیت ان الله و من رسوله از جانب خدا و پیامبرش راضی شدم

روایت سیوطی

جلال الدین سیوطی در کتاب از جامع الکبیر خود این روایت را از چند نفر دیگر نقل می‌کند ابن بخار بغدادی ابوبکر شیرازی در کتاب الاالقاب حاکم نیشابوری در الکنی و حسن بن بدر از بزرگان حافظان حدیث در کتاب ماروا الخلفا

همه این‌ها از ابن عباس نقل می‌کنند که او می‌گوید روزی عمر بن خطاب گفت دیگر از علی چیزی به زمان نیاورید زیرا من از پیامبر سه سخن شنیدم که اگر یکی از آنها بر من می‌بود از آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد بهتر بود و بعد ه‌مین حدیث منزلت را از پیامبر نقل کرد در حالی که به امیرالمؤمنان تکیه کرده بود

دلالت‌های حدیث منزلت

## نگاهی به مقامات حضرت هارون در قرآن

قبل از هر چیزی باید آگاه بشویم حضرت هارون نسبت به حضرت موسی چه مقام‌هایی دارد برای روشن شدن این مطلب لازم است رجوعی به قرآن داشته باشیم اولین مقام حضرت هارون نبوت بود که در سوره مریم آیه ۵۳ به آن اشاره شده است

دومین مقام حضرت وزارت بود وزیر کسی است که در نبود امیر انجام وظیفه می‌کند و به امور می‌پردازد که در سوره طاهها آیه ۲۹ و ۳۰ به آن اشاره شده است

سومین مقام خلافت و جانشینی بود که در سوره اعراف آیه ۱۴۲ به آن اشاره شده است

چهارمین پنجمین ششمین مورد اخوت مشارکت در رسالت تکیه‌گاه محکم که در سوره طاهها آیه ۳۱ و ۳۳ به آن اشاره شده است دانستیم که همه مقام‌هایی که برای حضرت هارون اثبات شده برای حضرت علی هم اینطور بود مگر من صب نبوت و پیامبری اکنون سوالی دارم اینکه آیا حدیث منزلت به غیر از علی می‌تواند برای شخص دیگری باشد بدیهی است که جواب خیر است پس چطور بعضی‌ها می‌خواهند اشخاص دیگری را بر حضرت علی برتری بدهند

بله علی وزیر است اما وزیر شخصی که خاتم مرسلین و والاترین پیامبر می‌باشد با این حدیث به درستی آشکار می‌شود که چه شخصی سزاوار خلافت بعد پیامبر صلوات الله علیه می‌باشد

## آغاز بعثت و وزارت حضرت علی

یکی دیگر از احادیث که بر وزارت امیرالمؤمنان دلالت دارد حدیث یوم الدار است که پیامبر نزدیکان خود را جمع کردند و فرمودند تا تیکم یوازرنی علی امری هذا

کدام یک از شما قبول می‌کند که وزیر و یاور من در این مسیر باشد امیرالمؤمنان عرضه داشت انا یا نبی الله اکون و زیرک علیه

من ای رسول خدا وزیر و یاور شما در این مسئولیت خواهم بود

پیامبر فرمود ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فسمعوا له و اطیعوا

به راستی این برادر وصی و جانشین من در بین شماست پس به سخن او گوش فرا دهید و از او فرمان ببرید

جایگاه ویژه

حضرت علی در مورد جایگاه خود نسبت به پیامبران اینطور می‌فرمایند که خویشاوندی من با پیامبر بسیار نزدیک م  
ی‌باشد این خویشاوندی مثل خویشاوندی حضرت موسی نسبت به هارون می‌باشد که از خدا چنین درخواست کرد وجع  
لی وزیرا من اهلی هارون اخی

برای من از خاندان خودم وزیر قرار بده هارون برادرم را

وقتی ما به آیه ۶ سوره احزاب دقت میکنیم می‌فهمیم که ویژگی‌های هجرت ایمان خویشاوندی جز برای حضرت ع  
لی بر کسی دیگر سزاوار نیست و در ضمن به این نتیجه می‌رسیم که خویشاوندی نزدیک یکی از پایه‌های محکم بحث  
خلافت است

در جواب کسی که می‌گوید اگر بحث خویشاوندی مد نظر است پس عباس به طریق اولی باید سزاوارتر نسبت به ع  
لی باشد زیرا عموی پیامبر است در حالی که علی پسر عموی پیامبر می‌باشد می‌گوییم عباس از مهاجرین نیست بلکه  
بعد فتح مکه به مدینه آمد در حالی که پیامبر فرمود بعد فتح مکه هجرتی در کار نیست بنابراین آیه و اولوا الارحام دلیل  
دیگری بر امامت بر حق امیرالمومنین بعد پیامبر می‌باشد یکی دیگر از مقام‌هایی که هارون نسبت به حضرت موسی دا  
شت این بود که شریک حضرت موسی در همه امور بود ما از این آیه این مقام را برای حضرت علی هم اثبات می‌کنیم  
جز بحث نبوت را سوره طاهها آیه ۳۲ دلالت بر شریک بودن هارون در امور با حضرت موسی می‌کنند سوال ما این است  
آیا می‌شود با وجود چنین شخصی که دارای افضل الفضائل می‌باشد شخص دیگری جانشین پیامبر باشد آیا عقل می‌پذ  
یرد چنین کسی کنار زده شود و شخصی به میان بیاید که ذره ای از فضایل حضرت علی را ندارد

یکی دیگر از درخواست‌های موسی از خداوند این بود که هارون را پشتیبان او قرار دهد و خدا هم دعای وی را مس  
تجاب کرد شکی نیست که این مقام برای حضرت علی هم قابل اثبات می‌باشد و بعد از پیامبران این مسئولیت خطیر بر  
عهده حضرت علی بود

حدیث منزلت بیانگر خلافت امیرالمؤمنان علی علیه السلام

سوال این است آیا حدیث منزلت به طور مستقیم و به صراحت جانشینی حضرت علی را اثبات می‌کند یا خیر بدون  
شک کسی می‌تواند جانشین پیامبر باشد که قابلیت‌ها و صلاحیت‌هایی که پیامبر دارد را دارا باشد و با توجه با ویژگی‌ها  
و مقام‌هایی که برای امیرالمؤمنان اثبات شد تنها شخصی که صلاحیت جانشینی پیامبر را دارد حضرت علی می‌باشد

احراز شایستگی

وقتی خداوند بدون هیچ قید و شرطی دعای موسی را مستجاب می‌کند پس معلوم است که هارون شایستگی جانشینی موسی را دارد و ما هم بر همین مبنا جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پیامبر اثبات می‌کنیم و با توجه به اینکه در زمان غیبت حضرت موسی برادرش هارون جانشین برادرشان بود اثبات می‌کنیم که خلافت و جانشینی حضرت علی بر پیامبر مختص به زمان خاصی نمی‌باشد

فرمانبرداری بی‌قید و شرط

یکی از مواردی که باید در بحث خلافت حفظ شود این است که مردم جامعه در تمام کارها و امور بدون هیچ شرطی از امیرالمومنین اطاعت کنند و این فرمانبرداری در زمانی واقع می‌شود که امامت و ولایت عامه باشد در جواب اشخاصی که می‌گویند اطاعت و فرمانبرداری از هارون به خاطر پیامبری وی بود نه به خاطر جانشینی آن می‌گوییم پس اطاعت از سه خلیفه هم واجب نیست زیرا آنها پیامبر نبودند در نتیجه اطاعت از هارون به خاطر جانشینی وی نسبت به حضرت موسی می‌باشد

حدیث منزلت و دیدگاه علمای اهل تسنن

در کتاب‌هایی که نوشته شده است علمای اهل تسنن به صراحت ذکر کرده‌اند که این حدیث به خلافت امیرالمومنین دلالت می‌کند به عنوان نمونه در کتاب تحفه اثنا عشریه نگارنده این کتاب اقرار می‌کند که حدیث منزلت خلافت حضرت علی را اثبات می‌کند و بلکه بالاتر از آن می‌گوید هر کس که منکر این حرف بشود دشمن اهل بیت است

تلاش‌هایی برای رد حدیث منزلت

اینک اشکال‌ها و اعتراضات اهل تسنن را در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اشکال‌های عملی؛

اهل تسنن می‌گویند اینکه شما می‌گویید هر مقامی که هارون نسبت به موسی داشته است علی هم نسبت به پیامبر دارد را قبول نداریم جواب اولاً پیامبر به طور مطلق فرمودند انت منی به منزلت هارون من موسی

و ثانیاً استثناء پیامبر فقط در بحث نبوت بود و اگر می‌خواست امیرالمومنان را از مقام دیگری هم منع کند حتماً ذکر می‌کرد

حدیث منزلت از نگاه ابن تیمیّه



ابن تیمیه در کتاب منهاج السنه خود اینطوری می‌آورد که وقتی پیامبر جایی می‌رفت از صحابه جانشینی برای خود قرار می‌داد به عنوان نمونه در یکی از سفرها ابن ام مکتوم را جانشین خود قرار داد

او می‌گوید در جنگ تبوک همه همراه پیامبر آمدند و کسی در مدینه نبود الا کودکان و مردان پسر و منافقین پس لازم نبود پیامبر کسی را جانشین قرار دهد پس معلوم است که جانشینی حضرت علی بی‌اهمیت بوده و فقط به خاطر اصرار خود علی بوده است

او در ادامه می‌گوید پیامبر احتیاجی به علی نداشت وگرنه او را همراه خود می‌برد

کدام عقل سلیمی یک نیروی خوب و یک مشاور زبردست را در مدینه جای می‌گذارد مگر غیر از این است که علی به کار پیامبر نمی‌آمد جواب ما به ابن تیمیه این است که مگر نشنیده‌ای که پیامبر به حضرت علی فرمود انه لابد ان اقم یم او تقیم حتماً یا من باید در مدینه بمانم و یا تو.

در جای دیگر فرمود فان المدینه لا تقطع الا بی او بک امور مدینه فقط به دست من و تو سامان می‌یابد لوم می‌شو د آن زمان دسیسه‌هایی در حال وقوع بوده است که فقط یا پیامبر می‌توانسته است از آن جلوگیری بکند یا حضرت علی

سوال اگر این جانشینی بی‌ارزش بوده است پس چرا عمر آرزو کرده است که این جانشینی برای او باشد و گریه حضرت علی فقط به خاطر تهمت منافقان بوده است

پیمان برادری بین اصحاب

ابن ابی اوفاء نقل می‌کند که روزی پیامبر بین اصحاب از جمله عمر و ابوبکر پیمان برادری بست حضرت علی عرضه داشت یا رسول الله آیا شما از من خشمگین هستی که با من پیمان نبستی پیامبر فرمود به خدایی که من را خلق کرده تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی و از من ارث می‌بری حضرت علی فرمود چه چیزی از شما به ارث می‌برم

پیامبر فرمودند آنچه‌ان که پیامبران قبل از من به ارث گذاشته‌اند مثل کتاب روش سومین جایی که حدیث منزلت را پیامبر تلاوت کردند در غدیر خم بود که در کتابی نگاهی به حدیث غدیر ذکر کردیم موارد دیگری هم می‌باشد که پیامبر به وضوح حدیث منزلت را برای مقام و جایگاه علی می‌داند که ما به همین دو مورد بسنده می‌کنیم

### اشکال‌های غیرعلمی

تحریف حدیث بعد از آنکه نتوانسته‌اند از نظر علمی خدش‌های به حدیث منزلت وارد کنند گفتند حدیث تحریف شده و در اصل چیز دیگری بوده است

حریض بن عثمان در تاریخ بغداد اینطور می‌آورد که حدیث در اصل انت منی به منزلت قارون من موسی بوده است و راوی اشتباه شنیده است از این ما می‌فهمیم که علاوه بر اینکه بن عثمان فردی دروغگو بوده است احادیث صحیح بخاری هم قطعی نیست زیرا از این شخص نقل حدیث کرده‌اند بعضی‌ها حدیث منزلت را برای ابوبکر و عمر نقل و جعل کرده‌اند اما ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان خود این را دروغ دانسته است. نگاهی به حدیث منزلت

چکیده :

پیشگفتار.

از معروف‌ترین احادیثی که در منابع شیعه و اهل تسنن نقل شده است حدیث منزلت می‌باشد در این حدیث آمده که پیامبر اسلام به حضرت علی فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی. آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون نسبت به موسی باشی بنابر نقل‌های دیگر آن حضرت فرمود:

انت منی بمنزله هارون من موسی

تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی

ویژگی ممتاز این حدیث نسبت به احادیث دیگر این است که بخاری و مسلم آن را نقل کرده‌اند

راویان حدیث منزلت

چند نمونه از مشهورترین راویان این حدیث را ذکر می‌کنیم

امیرالمومنین علیه السلام عبدالله بن عباس عبدالله بن مسعود عمر بن خطاب ابوسعید خدری ابوهریره

تواتر حدیث منزلت

مجموع راویان مرد و زن این حدیث به ۴۰ نفر می‌رسند

ابن عبدالبر در کتاب الاستیعاب در مورد حدیث منزلت می‌نویسد:

این حدیث از معتبرترین و صحیح‌ترین روایات است

همچنین حافظ جلال الدین سیوطی نیز این حدیث را در کتاب قطب الازهار المتناثره فی الاخبار المتواتره که در بیان احادیث متواتر نقل می‌کند.

راویان حدیث منزلت در قرون متفاوت

محمد بن اسحاق نویسنده کتاب السیره ابو داوود سلیمان بن داوود طیالسی در مسند احمد بن حنبل شیبانی ن گارنده المسند ابن ماجه قزوینی در صحیح

متن حدیث منزلت و تصحیح آن

این حدیث در صحیح بخاری به دو صورت نقل شده است که ما به یک صورت آن می‌پردازیم محمد بن بشار از غ ندر از شعبه از سعد نقل می‌کند که می‌گوید از ابراهیم بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص شنیدم که می‌گفت پیامبر خدا صلوات الله علیه به حضرت علی فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی

آیا راضی نمی‌شوی که برای من همانند هارون برای موسی باشی

به روایت مسلم

مسلم بن حجاج قشیری این حدیث را با سندهای متعددی روایت می‌کند

یکی از آنها روایتی است که با سند خود از سعید بن مسیب از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند که پیامبر به حضرت علی فرمود انت منی به منزلت هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی  
تو برای من همانند هارون برای موسی هستی جز آنکه بعد از من پیامبری نخواهد بود  
سعید می‌گوید دوست داشتم این حدیث را رو در رو از خود سعد بشنوم به خاطر همین با او ملاقات کردم و از او پرسیدم او گفت بله من این حدیث را از پیامبر شنیده‌ام

اهل سنت معتقد است آنچه که در کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری آمده همه آنها احادیث قطعی و صدور است همچنین شخصی به نام شاه ولی الله دهلوی در کتاب حجت الله بالغه خود که کتاب معتبر نزد اهل سنت می‌باشد می‌فرماید همه علما معتقد هستند که هر کس به کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم بی‌توجهی بکند نوعی بدعت گذار  
ده

با توجه به سخن آقای دهلوی اگر کسی به سند حدیث منزلت خدش‌های وارد کند از راه مسلمین پیروی نکرده است از سوی دیگر اگر به کتاب‌های دیگری نگاه بیندازیم از جمله کتاب رجال خواهیم دید که بخاری و مسلم از هر شیخ صی که روایت می‌کند راویان به آن اعتماد می‌کنند

حتی بر این باورند که هر کس از این دو نقل حدیث کند از پل عبور کرده است ما شیعیان برای ثابت کردن حَقمان به احادیث مورد اطمینانی می‌پردازیم اما اهل تسنن وقتی عاجز می‌شوند از آوردن جواب می‌گویند این در صحیحین نیامده است و اینطور از پاسخ دادن فرار می‌کنند

به عنوان مثال حدیث شریف را ملاحظه کنید پیامبر فرمود ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه

بعد از من امتم به ۷۳ گروه تقسیم می‌شود

اما می‌بینیم در رد این حدیث ابن تیمیه می‌گوید این حدیث در صحیحین نیامده است با وجود اینکه بعضی از اشخاص از جمله احمد بن حنبل این حدیث را در کتاب خود آورده است

به طور کلی هر موقع اهل تسنن به نفع آنها باشد می‌گویند این حدیث در صحیحین آمده و حجت است و اما وقتی حرفی برای گفتن ندارند می‌گویند این حدیث در صحیحین نیامده است یا باطل می‌باشد

بنابراین بدیهی است که چنین روشی برای بررسی احادیث درست نیست و ما می‌بینیم که همین روش را در بحث حدیث منزلت هم به کار برده است و آن را تضعیف می‌دانند با اینکه در صحیحین نقل شده است سوال ما از اهل تسنن این می‌باشد که پس قطعی الصدور بودن احادیث صحیحین چی می‌شود؟

متون دیگری از حدیث منزلت

حال می‌خواهیم که حدیث منزلت را در کتب‌های دیگر غیر از صحیحین مورد بررسی قرار بدهیم ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری حدیث منزلت را از زبان چند نفر نقل می‌کند

سعید بن مسیب

آمده است که سعید بن مسیب به سعد بن ابی وقاص گفت می‌خواهم از تو در مورد حدیثی سوال کنم اما از پرسیدن آن واهمه دارم او گفت هر موقع من از چیزی آگاه هستم بدون ترس بپرس گفت زمانی که پیامبر امیرالمؤمنان را در مدینه به جای خود گذاشت به او چه فرمود

نویسنده طبقات می‌گوید سعد تمام حدیث را برای او نقل کرد

پس معلوم می‌شود که در نبود پیامبر قرار است اتفاق‌هایی در مدینه بیفتد که پیامبر ناچار می‌شود امیرالمؤمنان را در مدینه بگذارد اما اشخاصی اینطور تصور می‌کند که دلیل شرکت نکردن امیرالمؤمنان در جنگ تبوک به خاطر این بود که پیامبر از امیرالمؤمنان خوشش نمی‌آمد اما پیامبر با حدیث منزلت جواب آنها را می‌دهد

به روایت نسائی

نسائی در خصائص اینطور نقل می‌کند که مردم گمان می‌کردند پیامبر از امیرالمؤمنان خسته شده است به همین خاطر با حضور او در جنگ مخالفت کرده است در روایت دیگری نقل شده که امیرالمؤمنان به پیامبر عرضه داشت که مردم قریش اینطور گمان می‌کنند که شما از من خسته شده‌ای و به همین علت مرا در مدینه گذاشتی پیامبر وقتی این حرف را شنید گریه کرد و فرمود ما منکم احدا الا ولد خاصه بین ابی طالب اما ترضی ان تکون منی به منزلت هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

هیچ کدام از شما نیست مگر آنکه کسی را برای خود اختصاص می‌دهد ای پسر ابوطالب آیا تو راضی نمی‌شوی که برای من همچون هارون نسبت به موسی باشی جز آنکه بعد از من پیامبری نیست امیرالمؤمنان در جواب فرمود رضیت ان الله و من رسوله از جانب خدا و پیامبرش راضی شدم

روایت سیوطی

جلال الدین سیوطی در کتاب از جامع الکبیر خود این روایت را از چند نفر دیگر نقل می‌کند ابن بخار بغدادی ابوبکر شیرازی در کتاب الاالقاب حاکم نیشابوری در الکنی و حسن بن بدر از بزرگان حافظان حدیث در کتاب ماروا الخلفا همه این‌ها از ابن عباس نقل می‌کنند که او می‌گوید روزی عمر بن خطاب گفت دیگر از علی چیزی به زمان نیاورد زیرا من از پیامبر سه سخن شنیدم که اگر یکی از آنها بر من می‌بود از آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد بهتر بود و بعد ه مین حدیث منزلت را از پیامبر نقل کرد در حالی که به امیرالمؤمنان تکیه کرده بود

دلالت‌های حدیث منزلت

نگاهی به مقامات حضرت هارون در قرآن

قبل از هر چیزی باید آگاه بشویم حضرت هارون نسبت به حضرت موسی چه مقام‌هایی دارد برای روشن شدن این مطلب لازم است رجوعی به قرآن داشته باشیم اولین مقام حضرت هارون نبوت بود که در سوره مریم آیه ۵۳ به آن اشاره شده است

دومین مقام حضرت وزارت بود وزیر کسی است که در نبود امیر انجام وظیفه می‌کند و به امور می‌پردازد که در سوره طها آیه ۲۹ و ۳۰ به آن اشاره شده است

سومین مقام خلافت و جانشینی بود که در سوره اعراف آیه ۱۴۲ به آن اشاره شده است

چهارمین پنجمین ششمین مورد اخوت مشارکت در رسالت تکیه‌گاه محکم که در سوره طها آیه ۳۱ و ۳۳ به آن اشاره شده است دانستیم که همه مقام‌هایی که برای حضرت هارون اثبات شده برای حضرت علی هم اینطور بود مگر من صب نبوت و پیامبری اکنون سوالی دارم اینکه آیا حدیث منزلت به غیر از علی می‌تواند برای شخص دیگری باشد بدیهی است که جواب خیر است پس چطور بعضی‌ها می‌خواهند اشخاص دیگری را بر حضرت علی برتری بدهند

بله علی وزیر است اما وزیر شخصی که خاتم مرسلین و والاترین پیامبر می‌باشد با این حدیث به درستی آشکار می‌شود که چه شخصی سزاوار خلافت بعد پیامبر صلوات الله علیه می‌باشد

آغاز بعثت و وزارت حضرت علی

یکی دیگر از احادیث که بر وزارت امیرالمؤمنان دلالت دارد حدیث یوم الدار است که پیامبر نزدیکان خود را جمع کرد و فرمودند تا یکم یوازرنی علی امری هذا

کدام یک از شما قبول می کند که وزیر و یاور من در این مسیر باشد امیرالمؤمنان عرضه داشت انا یا نبی الله اکون و زیرک علیه

من ای رسول خدا وزیر و یاور شما در این مسئولیت خواهم بود

پیامبر فرمود ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فسمعوا له و اطیعوا

به راستی این برادر وصی و جانشین من در بین شماست پس به سخن او گوش فرا دهید و از او فرمان بپذیرید

جایگاه ویژه

حضرت علی در مورد جایگاه خود نسبت به پیامبران اینطور می فرمایند که خویشاوندی من با پیامبر بسیار نزدیک م ی باشد این خویشاوندی مثل خویشاوندی حضرت موسی نسبت به هارون می باشد که از خدا چنین درخواست کرد و جع لی وزیرا من اهلی هارون اخی

برای من از خاندان خودم وزیر قرار بده هارون برادرم را

وقتی ما به آیه ۶ سوره احزاب دقت میکنیم می فهمیم که ویژگی های هجرت ایمان خویشاوندی جز برای حضرت ع لی بر کسی دیگر سزاوار نیست و در ضمن به این نتیجه می رسیم که خویشاوندی نزدیک یکی از پایه های محکم بحث خلافت است

در جواب کسی که می گوید اگر بحث خویشاوندی مد نظر است پس عباس به طریق اولی باید سزاوارتر نسبت به ع لی باشد زیرا عموی پیامبر است در حالی که علی پسر عموی پیامبر می باشد می گوئیم عباس از مهاجرین نیست بلکه بعد فتح مکه به مدینه آمد در حالی که پیامبر فرمود بعد فتح مکه هجرتی در کار نیست بنابراین آیه و اولوا الارحام دلیل دیگری بر امامت بر حق امیرالمؤمنین بعد پیامبر می باشد یکی دیگر از مقام هایی که هارون نسبت به حضرت موسی داشت این بود که شریک حضرت موسی در همه امور بود ما از این آیه این مقام را برای حضرت علی هم اثبات می کنیم جز بحث نبوت را سوره طاهها آیه ۳۲ دلالت بر شریک بودن هارون در امور با حضرت موسی می کنند سوال ما این اس

است آیا می‌شود با وجود چنین شخصی که دارای افضل الفضائل می‌باشد شخص دیگری جانشین پیامبر باشد آیا ع  
قل می‌پذیرد چنین کسی کنار زده شود و شخصی به میان بیاید که ذره ای از فضایل حضرت علی را ندارد

یکی دیگر از درخواست‌های موسی از خداوند این بود که هارون را پشتیبان او قرار دهد و خدا هم دعای وی را مس  
تجاب کرد شکی نیست که این مقام برای حضرت علی هم قابل اثبات می‌باشد و بعد از پیامبران این مسئولیت خطیر بر  
عهده حضرت علی بود

حدیث منزلت بیانگر خلافت امیرالمؤمنان علی علیه السلام

سوال این است آیا حدیث منزلت به طور مستقیم و به صراحت جانشینی حضرت علی را اثبات می‌کند یا خیر بدون  
شک کسی می‌تواند جانشین پیامبر باشد که قابلیت‌ها و صلاحیت‌هایی که پیامبر دارد را دارا باشد و با توجه با ویژگی‌ها  
و مقام‌هایی که برای امیرالمؤمنان اثبات شد تنها شخصی که صلاحیت جانشینی پیامبر را دارد حضرت علی می‌باشد

احراز شایستگی

وقتی خداوند بدون هیچ قید و شرطی دعای موسی را مستجاب می‌کند پس معلوم است که هارون شایستگی جانش  
ینی موسی را دارد و ما هم بر همین مبنا جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پیامبر اثبات می‌کنیم و با توجه به ا  
ینکه در زمان غیبت حضرت موسی برادرش هارون جانشین برادرش بود اثبات می‌کنیم که خلافت و جانشینی حضرت  
علی بر پیامبر مختص به زمان خاصی نمی‌باشد

فرمانبرداری بی‌قید و شرط

یکی از مواردی که باید در بحث خلافت حفظ شود این است که مردم جامعه در تمام کارها و امور بدون هیچ شرط  
ی از امیرالمؤمنین اطاعت کنند و این فرمانبرداری در زمانی واقع می‌شود که امامت و ولایت عامه باشد در جواب اشخا  
صی که می‌گویند اطاعت و فرمانبرداری از هارون به خاطر پیامبری وی بود نه به خاطر جانشینی آن می‌گوییم پس اطاع  
ت از سه خلیفه هم واجب نیست زیرا آنها پیامبر نبودند در نتیجه اطاعت از هارون به خاطر جانشینی وی نسبت به ح  
ضرت موسی می‌باشد

حدیث منزلت و دیدگاه علمای اهل تسنن

در کتاب‌هایی که نوشته شده است علمای اهل تسنن به صراحت ذکر کرده‌اند که این حدیث به خلافت امیرالمومنی  
ن دلالت می‌کند به عنوان نمونه در کتاب تحفه اثنا عشریه نگارنده این کتاب اقرار می‌کند که حدیث منزلت خلافت ح  
ضرت علی را اثبات می‌کند و بلکه بالاتر از آن می‌گوید هر کس که منکر این حرف بشود دشمن اهل بیت است



تلاش‌هایی برای رد حدیث منزلت

اینک اشکال‌ها و اعتراضات اهل تسنن را در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اشکال‌های عملی ؛

اهل تسنن می‌گویند اینکه شما می‌گویید هر مقامی که هارون نسبت به موسی داشته است علی هم نسبت به پیامبر دارد را قبول نداریم جواب اولاً پیامبر به طور مطلق فرمودند انت منی به منزلت هارون من موسی

و ثانیاً استثناء پیامبر فقط در بحث نبوت بود و اگر می‌خواست امیرالمؤمنان را از مقام دیگری هم منع کند حتماً ذکر می‌کرد

حدیث منزلت از نگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه در کتاب منهج السنه خود اینطوری می‌آورد که وقتی پیامبر جایی می‌رفت از صحابه جانشینی برای خود قرار می‌داد به عنوان نمونه در یکی از سفرها ابن ام مکتوم را جانشین خود قرار داد

او می‌گوید در جنگ تبوک همه همراه پیامبر آمدند و کسی در مدینه نبود الا کودکان و مردان پسر و منافقین پس لازم نبود پیامبر کسی را جانشین قرار دهد پس معلوم است که جانشینی حضرت علی بی‌اهمیت بوده و فقط به خاطر اصرار خود علی بوده است

او در ادامه می‌گوید پیامبر احتیاجی به علی نداشت و گرنه او را همراه خود می‌برد

کدام عقل سلیمی یک نیروی خوب و یک مشاور زبردست را در مدینه جای می‌گذارد مگر غیر از این است که علی به کار پیامبر نمی‌آمد جواب ما به ابن تیمیه این است که مگر نشنیده‌ای که پیامبر به حضرت علی فرمود انه لابد ان اقم یم او تقیم حتماً یا من باید در مدینه بمانم و یا تو.

در جای دیگر فرمود فان المدینه لا تقطع الا بی او بک امور مدینه فقط به دست من و تو سامان می‌یابد لوم می‌شو د آن زمان دسیسه‌هایی در حال وقوع بوده است که فقط یا پیامبر می‌توانسته است از آن جلوگیری بکند یا حضرت علی

سوال اگر این جانشینی بی‌ارزش بوده است پس چرا عمر آرزو کرده است که این جانشینی برای او باشد و گریه ح  
ضرت علی فقط به خاطر تهمت منافقان بوده است

### پیمان برادری بین اصحاب

ابن ابی اوفای نقل می‌کند که روزی پیامبر بین اصحاب از جمله عمر و ابوبکر پیمان برادری بست حضرت علی عرضه  
داشت یا رسول الله آیا شما از من خشمگین هستی که با من پیمان نبستی پیامبر فرمود به خدایی که من را خلق کرده  
تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی و از من ارث می‌بری حضرت علی فرمود چه چیزی از شما به ارث  
می‌برم

پیامبر فرمودند آنچه‌ان که پیامبران قبل از من به ارث گذاشته‌اند مثل کتاب روش

سومین جایی که حدیث منزلت را پیامبر تلاوت کردند در غدیر خم بود که در کتابی نگاهی به حدیث غدیر ذکر کرد  
یم موارد دیگری هم می‌باشد که پیامبر به وضوح حدیث منزلت را برای مقام و جایگاه علی می‌داند که ما به همین دو م  
ورد بسنده می‌کنیم

### اشکال‌های غیرعلمی

تحریف حدیث بعد از آنکه نتوانسته‌اند از نظر علمی خدشه‌ای به حدیث منزلت وارد کنند گفتند حدیث تحریف شده  
و در اصل چیز دیگری بوده است

حریض بن عثمان در تاریخ بغداد اینطور می‌آورد که حدیث در اصل انت منی به منزلت قارون من موسی بوده است  
و راوی اشتباه شنیده است از این ما می‌فهمیم که علاوه بر اینکه بن عثمان فردی دروغگو بوده است احادیث صحیح  
بخاری هم قطعی نیست زیرا از این شخص نقل حدیث کرده‌اند بعضی‌ها حدیث منزلت را برای ابوبکر و عمر نقل و جع  
ل کرده‌اند اما ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان خود این را دروغ دانسته است. نگاهی به حدیث منزلت

چکیده :

پیشگفتار.

از معروفترین احادیثی که در منابع شیعه و اهل تسنن نقل شده است حدیث منزلت می‌باشد  
در این حدیث آمده که پیامبر اسلام به حضرت علی فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی.  
آیا راضی نیستی که برای من همانند هارون نسبت به موسی باشی

بنابر نقل‌های دیگر آن حضرت فرمود:

انت منی بمنزله هارون من موسی

تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی

ویژگی ممتاز این حدیث نسبت به احادیث دیگر این است که بخاری و مسلم آن را نقل کرده‌اند

راویان حدیث منزلت

چند نمونه از مشهورترین راویان این حدیث را ذکر می‌کنیم

امیرالمومنین علیه السلام عبدالله بن عباس عبدالله بن مسعود عمر بن خطاب ابوسعید خدری ابوهریره

تواتر حدیث منزلت

مجموع راویان مرد و زن این حدیث به ۴۰ نفر می‌رسند

ابن عبدالبر در کتاب الاستیعاب در مورد حدیث منزلت می‌نویسد:

این حدیث از معتبرترین و صحیح‌ترین روایات است

همچنین حافظ جلال الدین سیوطی نیز این حدیث را در کتاب قطب الازهار المتناثره فی الاخبار المتواتره که در بیان احادیث متواتر نقل می‌کند.

راویان حدیث منزلت در قرون متفاوت

محمد بن اسحاق نویسنده کتاب السیره ابو داوود سلیمان بن داوود طیالسی در مسند احمد احمد بن حنبل شیبانی ن  
گارنده المسند ابن ماجه قزوینی در صحیح

متن حدیث منزلت و تصحیح آن

این حدیث در صحیح بخاری به دو صورت نقل شده است که ما به یک صورت آن می‌پردازیم محمد بن بشار از غ  
ندر از شعبه از سعد نقل می‌کند که می‌گوید از ابراهیم بن سعد از پدرش سعد بن ابی وقاص شنیدم که می‌گفت پیامبر  
خدا صلوات الله علیه به حضرت علی فرمود اما ترضی ان تکون منی بمنزله هارون من موسی

آیا راضی نمی‌شوی که برای من همانند هارون برای موسی باشی

به روایت مسلم

مسلم بن حجاج قشیری این حدیث را با سندهای متعددی روایت می‌کند

یکی از آنها روایتی است که با سند خود از سعید بن مسیب از عامر بن سعد بن ابی وقاص از پدرش نقل می‌کند که  
پیامبر به حضرت علی فرمود انت منی به منزلت هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

تو برای من همانند هارون برای موسی هستی جز آنکه بعد از من پیامبری نخواهد بود

سعید می‌گوید دوست داشتم این حدیث را رو در رو از خود سعد بشنوم به خاطر همین با او ملاقات کردم و از او پر  
سیدم او گفت بله من این حدیث را از پیامبر شنیده‌ام

اهل سنت معتقد است آنچه که در کتاب صحیح مسلم و صحیح بخاری آمده همه آنها احادیث قطعی و صدور است  
همچنین شخصی به نام شاه ولی الله دهلوی در کتاب حجت الله بالغه خود که کتاب معتبر نزد اهل سنت می‌باشد م  
ی‌فرماید همه علما معتقد هستند که هر کس به کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم بی‌توجهی بکند نوعی بدعت گذا  
رده

با توجه به سخن آقای دهلوی اگر کسی به سند حدیث منزلت خدشه‌ای وارد کند از راه مسلمین پیروی نکرده است  
از سوی دیگر اگر به کتاب‌های دیگری نگاه بیندازیم از جمله کتاب رجال خواهیم دید که بخاری و مسلم از هر شیخ  
صی که روایت می‌کند راویان به آن اعتماد می‌کنند

حتی بر این باورند که هر کس از این دو نقل حدیث کند از پل عبور کرده است ما شیعیان برای ثابت کردن حَقمان به احادیث مورد اطمینانی می‌پردازیم اما اهل تسنن وقتی عاجز می‌شوند از آوردن جواب می‌گویند این در صحیحین نیامده است و اینطور از پاسخ دادن فرار می‌کنند

به عنوان مثال حدیث شریف را ملاحظه کنید پیامبر فرمود ستفترق امتی علی ثلاث و سبعین فرقه بعد از من امتم به ۷۳ گروه تقسیم می‌شود

اما می‌بینیم در رد این حدیث این تیمیه می‌گوید این حدیث در صحیحین نیامده است با وجود اینکه بعضی از اشخاص از جمله احمد بن حنبل این حدیث را در کتاب خود آورده است

به طور کلی هر موقع اهل تسنن به نفع آنها باشد می‌گویند این حدیث در صحیحین آمده و حجت است و اما وقتی حرفی برای گفتن ندارند می‌گویند این حدیث در صحیحین نیامده است یا باطل می‌باشد

بنابراین بدیهی است که چنین روشی برای بررسی احادیث درست نیست و ما می‌بینیم که همین روش را در بحث حدیث منزلت هم به کار برده است و آن را تضعیف می‌دانند با اینکه در صحیحین نقل شده است سوال ما از اهل تسنن این می‌باشد که پس قطعی الصدور بودن احادیث صحیحین چی می‌شود؟

متون دیگری از حدیث منزلت

حال می‌خواهیم که حدیث منزلت را در کتب‌های دیگر غیر از صحیحین مورد بررسی قرار بدهیم ابن سعد در کتاب الطبقات الکبری حدیث منزلت را از زبان چند نفر نقل می‌کند

سعید بن مسیب

آمده است که سعید بن مسیب به سعد بن ابی وقاص گفت می‌خواهم از تو در مورد حدیثی سوال کنم اما از پرسیدن آن واهمه دارم او گفت هر موقع من از چیزی آگاه هستم بدون ترس بپرس گفت زمانی که پیامبر امیرالمؤمنان را در مدینه به جای خود گذاشت به او چه فرمود

نویسنده طبقات می‌گوید سعد تمام حدیث را برای او نقل کرد

پس معلوم می‌شود که در نبود پیامبر قرار است اتفاق‌هایی در مدینه بیفتد که پیامبر ناچار می‌شود امیرالمومنان را در مدینه بگذارد اما اشخاصی اینطور تصور می‌کند که دلیل شرکت نکردن امیرالمومنان در جنگ تبوک به خاطر این بود که پیامبر از امیرالمومنان خوشش نمی‌آمد اما پیامبر با حدیث منزلت جواب آنها را می‌دهد

به روایت نسائی

نسائی در خصائص اینطور نقل می‌کند که مردم گمان می‌کردند پیامبر از امیرالمومنان خسته شده است به همین خاطر با حضور او در جنگ مخالفت کرده است در روایت دیگری نقل شده که امیرالمومنان به پیامبر عرضه داشت که مردم قریش اینطور گمان می‌کنند که شما از من خسته شده‌ای و به همین علت مرا در مدینه گذاشتی پیامبر وقتی این حرف را شنید گریه کرد و فرمود ما منکم احدا الا ولد خاصه بین ابی طالب اما ترضی ان تکون منی به منزلت هارون من موسی الا انه لا نبی بعدی

هیچ کدام از شما نیست مگر آنکه کسی را برای خود اختصاص می‌دهد ای پسر ابوطالب آیا تو راضی نمی‌شوی که برای من همچون هارون نسبت به موسی باشی جز آنکه بعد از من پیامبری نیست امیرالمومنان در جواب فرمود رضیت ان الله و من رسوله از جانب خدا و پیامبرش راضی شدم

روایت سیوطی

جلال الدین سیوطی در کتاب از جامع الکبیر خود این روایت را از چند نفر دیگر نقل می‌کند ابن بخار بغدادی ابوبکر شیرازی در کتاب الالقاب حاکم نیشابوری در الکنی و حسن بن بدر از بزرگان حافظان حدیث در کتاب ماروا الخلفا همه این‌ها از ابن عباس نقل می‌کنند که او می‌گوید روزی عمر بن خطاب گفت دیگر از علی چیزی به زمان نیاورید زیرا من از پیامبر سه سخن شنیدم که اگر یکی از آنها بر من می‌بود از آنچه که آفتاب بر آن می‌تابد بهتر بود و بعد ه‌مین حدیث منزلت را از پیامبر نقل کرد در حالی که به امیرالمومنان تکیه کرده بود

دلالت‌های حدیث منزلت

نگاهی به مقامات حضرت هارون در قرآن

قبل از هر چیزی باید آگاه بشویم حضرت هارون نسبت به حضرت موسی چه مقام‌هایی دارد برای روشن شدن این مطلب لازم است رجوعی به قرآن داشته باشیم اولین مقام حضرت هارون نبوت بود که در سوره مریم آیه ۵۳ به آن اشاره شده است

دومین مقام حضرت وزارت بود وزیر کسی است که در نبود امیر انجام وظیفه می‌کند و به امور می‌پردازد که در سوره طاهها آیه ۲۹ و ۳۰ به آن اشاره شده است

سومین مقام خلافت و جانشینی بود که در سوره اعراف آیه ۱۴۲ به آن اشاره شده است

چهارمین پنجمین ششمین مورد اخوت مشارکت در رسالت تکیه‌گاه محکم که در سوره طاهها آیه ۳۱ و ۳۳ به آن اشاره شده است دانستیم که همه مقام‌هایی که برای حضرت هارون اثبات شده برای حضرت علی هم اینطور بود مگر من صب نبوت و پیامبری اکنون سوالی دارم اینکه آیا حدیث منزلت به غیر از علی می‌تواند برای شخص دیگری باشد بدیهی است که جواب خیر است پس چطور بعضی‌ها می‌خواهند اشخاص دیگری را بر حضرت علی برتری بدهند

بله علی وزیر است اما وزیر شخصی که خاتم مرسلین و والاترین پیامبر می‌باشد با این حدیث به درستی آشکار می‌شود که چه شخصی سزاوار خلافت بعد پیامبر صلوات الله علیه می‌باشد

آغاز بعثت و وزارت حضرت علی

یکی دیگر از احادیث که بر وزارت امیرالمومنان دلالت دارد حدیث یوم الدار است که پیامبر نزدیکان خود را جمع کردند و فرمودند تا تیکم یوازرنی علی امری هذا

کدام یک از شما قبول می‌کند که وزیر و یاور من در این مسیر باشد امیرالمومنان عرضه داشت انا یا نبی الله اکون و زیرک علیه

من ای رسول خدا وزیر و یاور شما در این مسئولیت خواهم بود

پیامبر فرمود ان هذا اخی و وصی و خلیفتی فیکم فسمعوا له و اطیعوا

به راستی این برادر وصی و جانشین من در بین شماست پس به سخن او گوش فرا دهید و از او فرمان ببرید

جایگاه ویژه

حضرت علی در مورد جایگاه خود نسبت به پیامبران اینطور می‌فرمایند که خویشاوندی من با پیامبر بسیار نزدیک می‌باشد این خویشاوندی مثل خویشاوندی حضرت موسی نسبت به هارون می‌باشد که از خدا چنین درخواست کرد و جعلی وزیرا من اهلی هارون اخی

برای من از خاندان خودم وزیر قرار بده هارون برادرم را

وقتی ما به آیه ۶ سوره احزاب دقت میکنیم می‌فهمیم که ویژگی‌های هجرت ایمان خویشاوندی جز برای حضرت ع  
لی بر کسی دیگر سزاوار نیست و در ضمن به این نتیجه می‌رسیم که خویشاوندی نزدیک یکی از پایه‌های محکم بحث  
خلافت است

در جواب کسی که می‌گوید اگر بحث خویشاوندی مد نظر است پس عباس به طریق اولی باید سزاوارتر نسبت به ع  
لی باشد زیرا عموی پیامبر است در حالی که علی پسر عموی پیامبر می‌باشد می‌گوییم عباس از مهاجرین نیست بلکه  
بعد فتح مکه به مدینه آمد در حالی که پیامبر فرمود بعد فتح مکه هجرتی در کار نیست بنابراین آیه و اولوا الارحام دلیل  
دیگری بر امامت بر حق امیرالمومنین بعد پیامبر می‌باشد یکی دیگر از مقام‌هایی که هارون نسبت به حضرت موسی دا  
شت این بود که شریک حضرت موسی در همه امور بود ما از این آیه این مقام را برای حضرت علی هم اثبات می‌کنیم  
جز بحث نبوت را سوره طاهها آیه ۳۲ دلالت بر شریک بودن هارون در امور با حضرت موسی می‌کنند سوال ما این است  
آیا می‌شود با وجود چنین شخصی که دارای افضل الفضائل می‌باشد شخص دیگری جانشین پیامبر باشد آیا عقل می‌پذ  
یرد چنین کسی کنار زده شود و شخصی به میان بیاید که ذره ای از فضایل حضرت علی را ندارد

یکی دیگر از درخواست‌های موسی از خداوند این بود که هارون را پشتیبان او قرار دهد و خدا هم دعای وی را مس  
تجاب کرد شکی نیست که این مقام برای حضرت علی هم قابل اثبات می‌باشد و بعد از پیامبران این مسئولیت خطیر بر  
عهده حضرت علی بود

حدیث منزلت بیانگر خلافت امیرالمؤمنان علی علیه السلام

سوال این است آیا حدیث منزلت به طور مستقیم و به صراحت جانشینی حضرت علی را اثبات می‌کند یا خیر بدون  
شک کسی می‌تواند جانشین پیامبر باشد که قابلیت‌ها و صلاحیت‌هایی که پیامبر دارد را دارا باشد و با توجه با ویژگی‌ها  
و مقام‌هایی که برای امیرالمؤمنان اثبات شد تنها شخصی که صلاحیت جانشینی پیام‌بر را دارد حضرت علی می‌باشد

احراز شایستگی

وقتی خداوند بدون هیچ قید و شرطی دعای موسی را مستجاب می‌کند پس معلوم است که هارون شایستگی جانش  
ینی موسی را دارد و ما هم بر همین مبنا جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پیامبر اثبات می‌کنیم و با توجه به ا  
ینکه در زمان غیبت حضرت موسی برادرش هارون جانشین برادرشان بود اثبات می‌کنیم که خلافت و جانشینی حضرت  
علی بر پیامبر مختص به زمان خاصی نمی‌باشد

فرمانبرداری بی‌قید و شرط



یکی از مواردی که باید در بحث خلافت حفظ شود این است که مردم جامعه در تمام کارها و امور بدون هیچ شرطی از امیرالمومنین اطاعت کنند و این فرمانبرداری در زمانی واقع می‌شود که امامت و ولایت عامه باشد در جواب اشخاصی که می‌گویند اطاعت و فرمانبرداری از هارون به خاطر پیامبری وی بود نه به خاطر جانشینی آن می‌گوییم پس اطاعت از سه خلیفه هم واجب نیست زیرا آنها پیامبر نبودند در نتیجه اطاعت از هارون به خاطر جانشینی وی نسبت به حضرت موسی می‌باشد

#### حدیث منزلت و دیدگاه علمای اهل تسنن

در کتاب‌هایی که نوشته شده است علمای اهل تسنن به صراحت ذکر کرده‌اند که این حدیث به خلافت امیرالمومنین دلالت می‌کند به عنوان نمونه در کتاب تحفه اثنا عشریه نگارنده این کتاب اقرار می‌کند که حدیث منزلت خلافت حضرت علی را اثبات می‌کند و بلکه بالاتر از آن می‌گوید هر کس که منکر این حرف بشود دشمن اهل بیت است

#### تلاش‌هایی برای رد حدیث منزلت

اینک اشکال‌ها و اعتراضات اهل تسنن را در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

#### اشکال‌های عملی؛

اهل تسنن می‌گویند اینکه شما می‌گویید هر مقامی که هارون نسبت به موسی داشته است علی هم نسبت به پیامبر دارد را قبول نداریم جواب اولاً پیامبر به طور مطلق فرمودند انت منی به منزلت هارون من موسی

و ثانیاً استثناء پیامبر فقط در بحث نبوت بود و اگر می‌خواست امیرالمومنان را از مقام دیگری هم منع کند حتماً ذکر می‌کرد

#### حدیث منزلت از نگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه در کتاب منهج السنه خود اینطوری می‌آورد که وقتی پیامبر جایی می‌رفت از صحابه جانشینی برای خود قرار می‌داد به عنوان نمونه در یکی از سفرها ابن ام مکتوم را جانشین خود قرار داد

او می گوید در جنگ تبوک همه همراه پیامبر آمدند و کسی در مدینه نبود الا کودکان و مردان پسر و منافقین پس لازم نبود پیامبر کسی را جانشین قرار دهد پس معلوم است که جانشینی حضرت علی بی اهمیت بوده و فقط به خاطر اصرار خود علی بوده است

او در ادامه می گوید پیامبر احتیاجی به علی نداشت وگرنه او را همراه خود می برد

کدام عقل سلیمی یک نیروی خوب و یک مشاور زبردست را در مدینه جای می گذارد مگر غیر از این است که علی به کار پیامبر نمی آمد جواب ما به ابن تیمیه این است که مگر نشنیده ای که پیامبر به حضرت علی فرمود انه لابد ان اقیم او تقیم حتماً یا من باید در مدینه بمانم و یا تو.

در جای دیگر فرمود فان المدینه لا تقطع الا بی او بک امور مدینه فقط به دست من و تو سامان می یابد لوم می شو د آن زمان دسیسه هایی در حال وقوع بوده است که فقط یا پیامبر می توانسته است از آن جلوگیری بکند یا حضرت علی

سوال اگر این جانشینی بی ارزش بوده است پس چرا عمر آرزو کرده است که این جانشینی برای او باشد و گریه حضرت علی فقط به خاطر تهمت منافقان بوده است

#### پیمان برادری بین اصحاب

ابن ابی اوفای نقل می کند که روزی پیامبر بین اصحاب از جمله عمر و ابوبکر پیمان برادری بست حضرت علی عرضه داشت یا رسول الله آیا شما از من خشمگین هستی که با من پیمان نبستی پیامبر فرمود به خدایی که من را خلق کرده تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی و از من ارث می بری حضرت علی فرمود چه چیزی از شما به ارث می برم

پیامبر فرمودند آنچه انچه که پیامبران قبل از من به ارث گذاشته اند مثل کتاب روش

سومین جایی که حدیث منزلت را پیامبر تلاوت کردند در غدیر خم بود که در کتابی نگاهی به حدیث غدیر ذکر کردیم موارد دیگری هم می باشد که پیامبر به وضوح حدیث منزلت را برای مقام و جایگاه علی می داند که ما به همین دو مورد بسنده می کنیم

## اشکال‌های غیرعلمی

تحریف حدیث بعد از آنکه نتوانسته‌اند از نظر علمی خدشه‌ای به حدیث منزلت وارد کنند گفتند حدیث تحریف شده و در اصل چیز دیگری بوده است

حریض بن عثمان در تاریخ بغداد اینطور می‌آورد که حدیث در اصل انت منی به منزلت قارون من موسی بوده است و راوی اشتباه شنیده است از این ما می‌فهمیم که علاوه بر اینکه بن عثمان فردی دروغگو بوده است احادیث صحیح بخاری هم قطعی نیست زیرا از این شخص نقل حدیث کرده‌اند بعضی‌ها حدیث منزلت را برای ابوبکر و عمر نقل و جمع کرده‌اند اما ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان خود این را دروغ دانسته است. صلاحیت‌هایی که پیامبر دارد را دارا باشد و با توجه با ویژگی‌ها و مقام‌هایی که برای امیرالمؤمنان اثبات شد تنها شخصی که صلاحیت جانشینی پیامبر را دارد حضرت علی می‌باشد

## احراز شایستگی

وقتی خداوند بدون هیچ قید و شرطی دعای موسی را مستجاب می‌کند پس معلوم است که هارون شایستگی جانشینی موسی را دارد و ما هم بر همین مبنا جانشینی حضرت علی علیه السلام را برای پیامبر اثبات می‌کنیم و با توجه به اینکه در زمان غیبت حضرت موسی برادرش هارون جانشین برادرشان بود اثبات می‌کنیم که خلافت و جانشینی حضرت علی بر پیامبر مختص به زمان خاصی نمی‌باشد

## فرمانبرداری بی‌قید و شرط

یکی از مواردی که باید در بحث خلافت حفظ شود این است که مردم جامعه در تمام کارها و امور بدون هیچ شرطی از امیرالمومنین اطاعت کنند و این فرمانبرداری در زمانی واقع می‌شود که امامت و ولایت عامه باشد در جواب اشخاصی که می‌گویند اطاعت و فرمانبرداری از هارون به خاطر پیامبری وی بود نه به خاطر جانشینی آن می‌گوییم پس اطاعت از سه خلیفه هم واجب نیست زیرا آنها پیامبر نبودند در نتیجه اطاعت از هارون به خاطر جانشینی وی نسبت به حضرت موسی می‌باشد

حدیث منزلت و دیدگاه علمای اهل تسنن

در کتاب‌هایی که نوشته شده است علمای اهل تسنن به صراحت ذکر کرده‌اند که این حدیث به خلافت امیرالمومنین ن دلالت می‌کند به عنوان نمونه در کتاب تحفه اثنا عشریه نگارنده این کتاب اقرار می‌کند که حدیث منزلت خلافت حضرت علی را اثبات می‌کند و بلکه بالاتر از آن می‌گوید هر کس که منکر این حرف بشود دشمن اهل بیت است

تلاش‌هایی برای رد حدیث منزلت

اینک اشکال‌ها و اعتراضات اهل تسنن را در دو مرحله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

اشکال‌های عملی ؛

اهل تسنن می‌گویند اینکه شما می‌گویید هر مقامی که هارون نسبت به موسی داشته است علی هم نسبت به پیامبر دارد را قبول نداریم جواب اولاً پیامبر به طور مطلق فرمودند انت منی به منزلت هارون من موسی

و ثانیاً استثناء پیامبر فقط در بحث نبوت بود و اگر می‌خواست امیرالمومنان را از مقام دیگری هم منع کند حتماً ذکر می‌کرد

حدیث منزلت از نگاه ابن تیمیه

ابن تیمیه در کتاب منهج السنه خود اینطوری می‌آورد که وقتی پیامبر جایی می‌رفت از صحابه جانشینی برای خود قرار می‌داد به عنوان نمونه در یکی از سفرها ابن ام مکتوم را جانشین خود قرار داد

او می‌گوید در جنگ تبوک همه همراه پیامبر آمدند و کسی در مدینه نبود الا کودکان و مردان پسر و منافقین پس لازم نبود پیامبر کسی را جانشین قرار دهد پس معلوم است که جانشینی حضرت علی بی‌اهمیت بوده و فقط به خاطر اصرار خود علی بوده است

او در ادامه می‌گوید پیامبر احتیاجی به علی نداشت و گرنه او را همراه خود می‌برد

کدام عقل سلیمی یک نیروی خوب و یک مشاور زبردست را در مدینه جای می‌گذارد مگر غیر از این است که علی به کار پیامبر نمی‌آمد جواب ما به ابن تیمیه این است که مگر نشنیده‌ای که پیامبر به حضرت علی فرمود انه لابد ان اقم یم او تقیم حتماً یا من باید در مدینه بمانم و یا تو.

در جای دیگر فرمود فان المدینه لا تقطع الا بی او بک امور مدینه فقط به دست من و تو سامان می یابد لوم می شو  
د آن زمان دسیسه هایی در حال وقوع بوده است که فقط یا پیامبر می توانسته است از آن جلوگیری بکند یا حضرت علی

سوال اگر این جانشینی بی ارزش بوده است پس چرا عمر آرزو کرده است که این جانشینی برای او باشد و گریه ح  
ضرت علی فقط به خاطر تهمت منافقان بوده است

### پیمان برادری بین اصحاب

ابن ابی اوقاف نقل می کند که روزی پیامبر بین اصحاب از جمله عمر و ابوبکر پیمان برادری بست حضرت علی عرضه  
داشت یا رسول الله آیا شما از من خشمگین هستی که با من پیمان نبستی پیامبر فرمود به خدایی که من را خلق کرده  
تو برای من همانند هارون نسبت به موسی هستی و از من ارث می بری حضرت علی فرمود چه چیزی از شما به ارث  
می برم

پیامبر فرمودند آنچه انچنان که پیامبران قبل از من به ارث گذاشته اند مثل کتاب روش

سومین جایی که حدیث منزلت را پیامبر تلاوت کردند در غدیر خم بود که در کتابی نگاهی به حدیث غدیر ذکر کرد  
یم موارد دیگری هم می باشد که پیامبر به وضوح حدیث منزلت را برای مقام و جایگاه علی می داند که ما به همین دو م  
ورد بسنده می کنیم

### اشکال های غیر علمی

تحریف حدیث بعد از آنکه نتوانسته اند از نظر علمی خدشه ای به حدیث منزلت وارد کنند گفتند حدیث تحریف شده  
و در اصل چیز دیگری بوده است

حریض بن عثمان در تاریخ بغداد اینطور می آورد که حدیث در اصل انت منی به منزلت قارون من موسی بوده است  
و راوی اشتباه شنیده است از این ما می فهمیم که علاوه بر اینکه بن عثمان فردی دروغگو بوده است احادیث صحیح

بخاری هم قطعی نیست زیرا از این شخص نقل حدیث کرده‌اند بعضی‌ها حدیث منزلت را برای ابوبکر و عمر نقل و جمع کرده‌اند اما ابن حجر عسقلانی در کتاب لسان المیزان خود این را دروغ دانسته است.